



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

شماره چاپ 1213

شماره ثبت 510

دوره دهم - سال سوم

تاریخ چاپ 1397/9/17

یک شوری

طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

کمیسیون‌های ارجاعی

اصلی: قضائی و حقوقی

فرعی: آموزش، تحقیقات و فناوری - اجتماعی - برنامه و

بودجه و محاسبات

متن سوابق به دلیل حجم زیاد، به صورت جداگانه چاپ می‌شود.

معاونت قوانین

باسمه تعالی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
احتراماً طرح ذیل که به امضای 79 نفر از نمایندگان رسیده است،
جهت طی مراحل قانونی تقدیم می شود.

مقدمه (دلایل توجیهی):

بنا به دلایل و ضرورت‌های ذیل لازم است تا قانون تشکیلات و آیین
دادرسی دیوان عدالت اداری مورد بازنگری و اصلاحاتی قرار گیرد:

1- جلوگیری از اطاله دادرسی و سرعت بخشیدن به روند رسیدگی به
شکایات و اعتراضات نسبت به آرای هیأتها و کمیسیون‌های موضوع بند (2)
ماده (10) قانون دیوان.

2- جذب قضات نخبه از طریق جذب و به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان
دکتری رشته حقوق عمومی یا سایر رشته‌های مورد نیاز دیوان به صورت
مستقیم با برگزاری دوره‌های عمومی و تخصصی ویژه.

3- اتقان بیشتر آرای هیأت عمومی با تغییر ترکیب هیأت عمومی.

4- اتقان بیشتر صدور دستور موقت.

5- پیش‌بینی تقدیم دادخواست‌ها به صورت الکترونیکی در سراسر
کشور با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیکی قضائی.

6- گسترش ابلاغ الکترونیکی آراء و قرارهای صادره از سوی دیوان
به اصحاب دعوی از طریق سامانه ثنا و سرعت یافتن تبادل لوایح قضائی و
در نتیجه سرعت در رسیدگی.

7- ایجاد ضمانت اجرای قوی برای احکام دیوان و برخورد با مستنکفان از اجرای آراء دیوان.

8- شفافیت در نحوه رسیدگی به شکایات از آرای هیأتها و کمیسیونها با اصلاح ماده (63) قانون دیوان.

9- پیش‌بینی انتشار آرای هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی در سامانه اطلاع‌رسانی دیوان علاوه بر روزنامه رسمی به منظور دسترسی آسان شهروندان به این آراء.

10- افزایش ضمانت اجرای احکام صادره در محکومیت‌های مالی سازمان‌های دولتی با اعلام مراتب به سازمان برنامه و بودجه و اقدام آن سازمان در اجرای بند «ج» ماده (24) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب 1393/12/4

لذا طرح ذیل به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌شود:

- ملکشاهی - کشت‌زر - خضری - صادقی - بختیار گلپایگانی - نیکزادی پناه -
- دهقانی فیروزآبادی - برزگر کلشانی - عبادی - چنارانی - زرآبادی - شریفی -
- بابائی صالح - جعفرزاده ایمن آبادی - مقصودی - فرمند - نوروزی - فرهنگی -
- هزارجریبی - پورحسین شقلان - کمالی پور - سیداحسن علوی -
- نانواکناری - حضرت پور طلاپه - امیرحسنخانی - پورمختار -
- علیرضا بیگی - سیدحمیدرضا کاظمی - محمد کاظمی - محمدیان -
- ابوترابی - قربانی - شیویاری - وکیلی - خجسته - محمدابراهیم رضایی -
- کولیوند - سبحانی فر - عبداللهی - موسوی لارگانی - یارمحمدی - سلیمانی -
- ایران‌نژاد - علی محمد مرادی - شریعت‌نژاد - محمداسماعیل سعیدی - شکری -
- رجبی - رحیمی جهان آبادی - صفری - حسینی کیا - مازنی - مختار -
- یوسف‌نژاد - زارع - سیداحسان قاضی‌زاده‌هاشمی - تربتی‌نژاد - فتحی -

کوچکی نژادارم ساداتی - بیگلری - جمالی نویندگان - محمودی شاه‌نشین -
نیاز آذری - کریمی قدوسی - ابطحی - کرم‌پور حقیقی - رضا کریمی -
علیرضا سلیمی - بیرانوندی - ملک‌شاهی راد - قاضی پور - باستانی - قوامی -
علی اکبر کریمی - سمیه محمودی - سعیدی مبارکه - پورا براهیمی داورانی -
لاهورتی

عنوان طرح:

اصلاح موادی از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

ماده 1- تبصره‌های زیر جایگزین تبصره ماده (3) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب 1392/3/25 مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌شود:

تبصره 1- چنانچه جلسه شعبه تجدیدنظر با حضور دو عضو رسمیت یابد و هنگام صدور رأی اختلاف نظر حاصل شود، یک عضو مستشار توسط رئیس دیوان به آنان اضافه می‌شود. در صورت عدم حضور رئیس شعبه تجدیدنظر، اداره شعبه به عهده عضو مستشاری است که سابقه قضائی بیشتری دارد.

تبصره 2- شکایات و اعتراضات موضوع بند (2) ماده (10) این قانون مستقیماً در شعب تجدیدنظر مطرح و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. رأی صادره قطعی است. سایر شکایات و اعتراضات در شعب بدوی رسیدگی می‌شود.

تبصره 3- پس از لازم‌الاجراء شدن این قانون پرونده‌های موجود در شعب بدوی و تجدیدنظر مطابق صلاحیت زمان ثبت دادخواست رسیدگی می‌شود.

ماده 2- تبصره (1) ماده (4) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

تبصره 1- حائزین شرایط منصب قضا که دارای مدرک دکتری حقوق عمومی و سایر گرایش‌های مورد نیاز در صلاحیت دیوان هستند پس از جذب و گذراندن دوره کارآموزی عمومی و تخصصی متناسب با صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری، با ابلاغ رئیس قوه قضائیه به سمت دادرس علی‌البدل دیوان عدالت اداری منصوب می‌شوند. داشتن سابقه قضائی برای این افراد شرط نیست. چگونگی جذب و تعداد مورد نیاز در هر سال و مدت کارآموزی عمومی و تخصصی به موجب دستورالعملی است که ظرف مدت سه ماه توسط رئیس دیوان تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده 3- ماده (5) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 5- رئیس دیوان علاوه بر ریاست اداری و نظارت بر کلیه قسمتهای دیوان، ریاست شعبه اول تجدیدنظر دیوان را نیز بر عهده دارد و می‌تواند علاوه بر معاون اول، به تعداد لازم معاون و مشاور در چهارچوب تشکیلات مصوب رئیس قوه قضائیه داشته باشد. وی می‌تواند برخی اختیارات خود را به معاونان خود تفویض نماید.

ماده 4- ماده (8) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 8- هیأت عمومی دیوان با حضور رئیس، معاونان و مدیران کل دارای پایه قضائی و رؤسای شعب تجدیدنظر تشکیل می‌گردد. جلسه با ریاست رئیس دیوان یا معاون اول و یا یکی از معاونان قضائی و با حضور

دوسوم قضات مذکور رسمیت می‌یابد و ملاک صدور رأی نظر اکثریت اعضای حاضر می‌باشد.

تبصره - سایر قضات دیوان و یا کارشناسان امر با دعوت رئیس دیوان بدون داشتن حق رأی می‌توانند در جلسات هیأت عمومی شرکت و در صورت لزوم نظرات خود را ارائه کنند.

ماده 5- متن زیر جایگزین ماده (9) قانون و تبصره آن می‌شود:

ماده 9- واحدهای اجرای احکام، که متشکل از تعداد کافی قاضی اجرای احکام، مدیر دفتر و کارمند دفتری هستند، زیر نظر رئیس دیوان یا معاونان وی انجام وظیفه می‌نمایند. قضات اجرای احکام از بین دادرسان و یا مستشاران قضائی توسط رئیس دیوان انتخاب می‌شوند.

ماده 6- بند «الف» ماده (10) قانون و تبصره (2) آن به شرح ذیل

اصلاح می‌شود:

الف - تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی موضوع اصل یکصد و هفتاد و سوم (173) قانون اساسی اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، همچنین مؤسسات عمومی غیردولتی از قبیل شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و شوراهای اسلامی کشور و نیز تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

تبصره 2- تصمیمات و آرای مراجع قضائی از قبیل دادرها و دادگاههای دادگستری و نظامی، دادگاه عالی انتظامی قضات، دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی، دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات و دادگاه عالی تجدیدنظر رسیدگی به صلاحیت قضات قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.

ماده 7- در تبصره ماده (12) قانون، عبارت «و شورای عالی انقلاب فرهنگی درخصوص تعیین معیارها و ضوابط امور آموزشی، فرهنگی و

علمی و شورای عالی فضای مجازی» بعد از عبارت «شورای عالی امنیت ملی» اضافه می‌شود.

ماده 8- ماده (13) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 13- اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است، مگر در مورد مصوبات خلاف شرع که اثر آن از زمان تصویب می‌باشد.

ماده 9- در ماده (14) قانون بعد از عبارت «دیوان عالی کشور است» جمله «و در موارد اختلاف در صلاحیت بین شعب بدوی و تجدیدنظر، رأی شعبه تجدیدنظر و در موارد اختلاف در صلاحیت بین شعب و هیأت عمومی، نظر هیأت عمومی متبع است.» اضافه می‌شود.

ماده 10- در ماده (16) قانون پس از عبارت «به زبان فارسی» عبارت «و با درج شماره ملی اشخاص حقیقی و شماره ثبت اشخاص حقوقی» اضافه می‌گردد و تبصره (1) آن حذف و تبصره (2) آن به عنوان تبصره این ماده به قوت خود باقی می‌ماند.

ماده 11- ماده (19) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 19- هزینه دادرسی در شعب بدوی دیوان و درخواست دستور موقت پانصد هزار (500.000) ریال و در شعب تجدیدنظر یک میلیون (1.000.000) ریال و برای درخواست اعاده دادرسی، ورود ثالث، اعتراض ثالث و جلب ثالث، دو میلیون (2.000.000) ریال می‌باشد. افزایش هزینه دادرسی با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه در قانون بودجه سالانه کشور منظور می‌گردد.

تبصره - پرونده‌هایی که با صدور قرار عدم صلاحیت از مراجع قضائی و با پرداخت هزینه دادرسی به دیوان ارسال می‌گردد چنانچه هزینه

پرداخت شده کمتر از هزینه مقرر در دیوان باشد مابه‌التفاوت أخذ خواهد شد.

ماده 12- ماده (23) به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:

ماده 23- دادخواست و ضmann آن باید به تعداد طرف شکایت به اضافه یک نسخه تهیه شود. پذیرش دادخواست در شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان به یکی از طرق ذیل امکان پذیر است:

1- ثبت در پایگاه الکترونیکی دیوان

2- ثبت از طریق دفاتر خدمات قضائی

3- ثبت دادخواست در دفاتر استانی دیوان

4- تحویل به دبیرخانه مرکزی

تاریخ ثبت دادخواست در هریک از مراجع مذکور تاریخ تقدیم دادخواست می باشد.

تبصره - دیوان می تواند در ارائه خدمات قضائی در تمام مراحل اعم از پذیرش دادخواست، تبادل لوایح، رسیدگی و صدور رأی و ابلاغ و اجرای احکام از مقررات حاکم بر رسیدگی الکترونیکی موضوع ماده (655) قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات مربوط استفاده نماید.

ماده 13- ماده (27) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود:

ماده 27- چنانچه دادخواست فاقد نام و نام خانوادگی یا نشانی محل اقامت شاکی یا در مواردی که دادخواست توسط وکیل یا نماینده قانونی وی تقدیم شده است، فاقد نام و نام خانوادگی، کد ملی، تلفن تماس و نشانی محل اقامت وکیل یا نماینده قانونی باشد، به موجب قرار مدیر دفتر شعبه، رد می شود. این قرار قطعی است، ولی صدور آن مانع طرح مجدد شکایت

نیست. چنانچه طرح دعوی مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر محاسبه می شود.

تبصره - مدیر دفتر شعبه دیوان مکلف است ظرف مدت پنج روز قرار رد صادره را در پایگاه الکترونیکی دیوان به نحوی که برای عموم قابل مشاهده باشد قرار دهد و ظرف مدت ده روز پس از قرار گرفتن در پایگاه الکترونیکی دیوان، قرار مذکور ابلاغ شده تلقی می گردد.

ماده 14- ماده (28) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 28- در صورتی که در دادخواست نام و مشخصات طرف شکایت، مدرک اثبات کننده سمت برای اشخاص حقیقی و حقوقی، موضوع شکایت یا خواسته، مدارک و دلایل مورد استناد درج نشده باشد یا دادخواست فاقد امضاء یا اثر انگشت باشد و یا اینکه دادخواست از جهت شرایط مقرر در مواد (19) تا (23) این قانون نقص داشته باشد مدیر دفتر شعبه ظرف مدت دو روز نقایص دادخواست را طی اظهاریه ای به طور مستقیم یا از طریق دفاتر مستقر در مراکز استان ها یا ابلاغ الکترونیکی به شاکی اعلام می کند. شاکی از تاریخ ابلاغ اظهاریه ده روز فرصت رفع نقص دارد و چنانچه در مهلت مذکور اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قرار مدیر دفتر یا جانشین او رد می گردد. این قرار ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در همان شعبه دیوان است. رسیدگی به اعتراض به قرار رد دادخواست در شعبه مربوط به عمل می آید. پس از صدور رأی توسط قاضی شعبه مراتب توسط مدیر دفتر شعبه به معترض ابلاغ می گردد. این رأی قطعی است. ولی رد دادخواست مانع از طرح مجدد شکایت نیست. چنانچه طرح دعوی مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد، از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر محاسبه می شود.

ماده 15- ماده (31) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 31- شکایات متعدد که منشأ و مبنای آنها مختلف است را نمی‌توان به موجب یک دادخواست اقامه کرد؛ مگر اینکه دیوان بتواند به تمام آنها ضمن یک دادرسی رسیدگی نماید. همچنین، اشخاص متعدد نمی‌توانند شکایات خود را که موضوع و منشأ و مبنای مختلف دارد به موجب یک دادخواست اقامه نمایند. در صورت عدم رعایت مفاد این ماده، شعبه دیوان مکلف است قبل از ارسال دادخواست و ضمائم به طرف شکایت حسب مورد قرار رد شکایت یا قرار عدم صلاحیت صادر نماید. قرار رد شکایت مانع از طرح مجدد شکایت نخواهد بود. چنانچه طرح دعوی مجدد مستلزم رعایت زمان مشخص باشد از زمان ابلاغ قرار مدیر دفتر محاسبه می‌شود.

ماده 16- متن ماده (32) قانون به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌شود:

ماده 32- چنانچه با رعایت مفاد ماده (31) این قانون تعداد شاکیان پرونده بیش از پنج نفر باشند می‌توانند نماینده‌ای را از میان خود جهت امر ابلاغ و اخطار به دیوان معرفی نمایند.

ماده 17- در ماده (34) قانون عبارت «این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست» از ذیل ماده حذف می‌شود.

ماده 18- یک تبصره به ماده (35) قانون به عنوان تبصره (1) الحاق و تبصره سابق این ماده با اصلاحاتی به شرح زیر، به عنوان تبصره (2) مطرح می‌شود:

تبصره 1- اجرای دستور موقت صادره از شعب دیوان منوط به تأیید رئیس دیوان یا معاون اول و یا معاونان قضائی وی با انتخاب رئیس دیوان می‌باشد. رئیس دیوان، معاون اول یا معاون قضائی وی ظرف مدت ده روز از تاریخ وصول پرونده به دفتر خود نسبت به تصمیم شعبه اظهارنظر

می‌نمایند، در صورت عدم اظهارنظر در مهلت مذکور دستور موقت صادره لازم‌الاجراء است.

تبصره 2- دستور موقت تأثیری در اصل شکایت ندارد. در صورت رد شکایت یا صدور قرار اسقاط یا ابطال یا رد دادخواست اصلی و قطعیت رأی صادره، دستور موقت نیز لغو می‌گردد.

ماده 19- ماده (36) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 36- مرجع رسیدگی به تقاضای صدور دستور موقت موضوع ماده (34) این قانون، شعبه‌ای است که به اصل دعوی رسیدگی می‌کند، لیکن در مواردی که ضمن درخواست ابطال مصوبات از هیأت عمومی دیوان، تقاضای صدور دستور موقت شده باشد، رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص تقاضای مزبور با هیأت تخصصی مربوط است و ملاک صدور رأی، نظر اکثریت اعضای حاضر خواهد بود. این رأی قطعی است و در صورت صدور دستور موقت، پرونده در هیأت تخصصی و هیأت عمومی خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده 20- در مواد (39) و (40) قانون، کلمه «شعبه» به کلمه «مرجع» تغییر می‌یابد.

ماده 21- یک تبصره به ماده (46) قانون، به شرح زیر الحاق می‌گردد:
تبصره - در صورتی که تجدیدنظرخواه دادخواست تجدیدنظرخواهی را مسترد و یا انصراف خود را از تجدیدنظرخواهی اعلام نماید، قرار سقوط دعوی تجدیدنظرخواهی صادر می‌گردد و تجدیدنظرخواهی مجدد قابل طرح نیست.

ماده 22- ماده (48) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 48- هرگاه رسیدگی به شکایت در صلاحیت سایر مراجع قضائی باشد شعبه دیوان با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به مرجع

مذکور ارسال می‌کند و در صورتی که رسیدگی به شکایت را در صلاحیت مراجع غیرقضائی بداند، مبادرت به صدور قرار رد می‌نماید.

ماده 23- ماده (53) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

الف - در بند «الف» پس از واژه «اهلیت» عبارت «یا سمت قانونی» اضافه می‌شود.

ب - یک تبصره به ذیل بند «ث» الحاق می‌شود:

تبصره - چنانچه شکایت طرح شده از حیث موضوع به طرفیت همان دستگاه اجرائی با شکایت شخص دیگری رسیدگی و منتهی به صدور حکم قطعی شده باشد، از همان جهت قابل رسیدگی مجدد نبوده و مشمول اعتبار امرمختومه می‌گردد.

پ - یک بند به عنوان بند «د» به انتهای بندهای این ماده به شرح زیر الحاق می‌شود:

«د - رسیدگی به شکایت برابر قانون طرح نشده باشد.»

ماده 24- یک تبصره به ماده (55) قانون به شرح زیر الحاق می‌شود:

تبصره - چنانچه پس از صدور رأی در مرحله بدوی دادخواست ورود ثالث واصل گردد در صورتی که رأی صادره مورد تجدیدنظرخواهی قرارگیرد دادخواست مذکور به همراه پرونده اصلی به شعبه تجدیدنظر ارسال می‌گردد و در غیر این صورت قرار رد دادخواست صادر می‌شود.

ماده 25- ماده (57) قانون به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن

الحاق می‌شود:

ماده 57- آرای قطعی شعب دیوان که بدون دخالت شخص ثالث ذی‌نفع صادر شده باشد، در صورتی که به حقوق شخص ثالث خلل وارد نموده باشد چنانچه وی در هیچ یک از مراحل دادرسی حضور نداشته باشد، ظرف مدت دو ماه از تاریخ اطلاع از رأی، قابل اعتراض است. این اعتراض

در شعبه صادرکننده حکم قطعی رسیدگی می شود و شعبه مزبور با بررسی دلایل ارائه شده مبادرت به صدور رأی می نماید. این رأی، قطعی است.

تبصره - در مواردی که اجرای رأی مورد اعتراض ثالث موجب ورود خسارت غیرقابل جبران می شود، شعبه رسیدگی کننده به اعتراض ثالث می تواند با تقاضای معترض و با موافقت رئیس دیوان دستور توقف حکم مورد اعتراض را تا رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر نماید.

ماده 26- ماده (63) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 63- شعبه رسیدگی کننده دیوان در مقام رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (2) ماده (10) این قانون به شرح زیر اقدام می کند:

1- در مواردی که رأی واجد ایراد و اشکال قانونی نباشد آن را تأیید و همچنین در مواردی که رأی دارای اشتباه یا نقضی باشد که به اساس رأی لطمه وارد نکند ضمن اصلاح رأی آن را ابرام می نماید.

2- در مواردی که موجبی برای رسیدگی در مراجع مذکور وجود نداشته باشد یا موضوع رسیدگی منتفی شده یا تخلف نباشد، در این گونه موارد مبادرت به نقض بلارجاع می نماید.

3- در مواردی که شعبه دیوان تشخیص دهد که مرجع رسیدگی کننده صلاحیت رسیدگی را نداشته است رأی را نقض می کند و ضمن تعیین مرجع صلاحیت دار، مرجع رسیدگی کننده را موظف می نماید موضوع را به مرجع دارای صلاحیت ارسال نماید.

4- در مواردی که شعبه دیوان ایراد شکلی و یا نقضی را در رسیدگی ملاحظه نماید با بیان دقیق و ذکر تمام جهات، رأی را نقض و رسیدگی مجدد به موضوع را به همان مرجع رسیدگی کننده واگذار می کند. مرجع

مزبور مکلف است با تبعیت از نظر شعبه دیوان نسبت به رفع نواقص و ایرادات اعلام شده اقدام و تصمیم مقتضی اتخاذ کند.

5- در مواردی که شعبه دیوان ایراد ماهوی مؤثری در رأی صادره مشاهده نماید با ذکر تمام جهات و دلایل قانونی رأی صادره را نقض و موضوع پرونده را جهت رسیدگی مجدد به مرجع رسیدگی کننده اعاده می نماید. مرجع مزبور مکلف است با رعایت مفاد رأی دیوان نسبت به اتخاذ تصمیم و صدور رأی اقدام کند. در صورت شکایت مجدد شاکی، موضوع به شعبه صادرکننده رأی قطعی ارجاع می شود و در صورت انحلال شعبه و یا صدور رأی توسط شعبه بدوی پرونده جهت رسیدگی به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می شود. چنانچه شعبه دیوان رأی صادره را صحیح تشخیص دهد آن را تأیید می نماید و در صورتی که رأی را برخلاف قوانین و مقررات بداند آن را نقض و رأی مقتضی صادر می کند. در این مرحله، چنانچه شعبه دیوان جلب نظر کارشناس را لازم بداند از نظر کارشناسان رسمی یا متخصصان و مشاوران موضوع ماده (7) این قانون استفاده می نماید. این آراء از جهت تشریفات و شرایط اجرای حکم از قبیل صدور اجرائیه، عملیات اجرائی، مرجع اجرای حکم و سایر موارد تابع مقررات حاکم بر اجرای آرای هیأتها، کمیسیونها و مراجع مربوط خواهد بود.

تبصره - عدم رعایت مفاد رأی دیوان در تصمیم بعدی مراجع مذکور در بند (2) ماده (10) چنانچه غیرموجه تشخیص گردد، موجب اعمال مجازات مستنکف مطابق ماده (112) این قانون نسبت به اعضای مؤثر در مخالفت با حکم دیوان خواهد بود. تخلف مستنکف با ارجاع رئیس دیوان یا معاونان وی در شعبه صادرکننده رأی قطعی دیوان رسیدگی می شود.

ماده 27- یک تبصره به ماده (65) قانون الحاق می شود:

تبصره - قرارهای عدم صلاحیت، موضوع ماده (48) این قانون و همچنین قرار رد اعاده دادرسی و آرای صادره در رسیدگی به اعتراض ثالث

موضوع مواد (57) و (116) این قانون، قطعی و غیر قابل تجدیدنظرخواهی است.

ماده 28- ماده (66) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 66- دادخواست تجدیدنظر توسط رئیس دیوان یا معاون اول و یا معاون قضائی وی به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می شود.

ماده 29- عبارت «مشخصات و اقامتگاه تجدیدنظر خوانده» به عنوان بند «ب» به ماده (67) قانون الحاق و عنوان سایر بندها به ترتیب اصلاح و یک تبصره به شرح زیر به این ماده الحاق می شود:

تبصره - پس از ارجاع دادخواست به شعبه تجدیدنظر، مدیر دفتر آن را پس از تکمیل به نظر قاضی شعبه می رساند. رئیس یا مستشار شعبه در صورت تکمیل بودن دادخواست نسبت به تبادل دادخواست و ضmann آن اقدام می نماید. در مواردی که آراء مورد اعتراض شعب بدوی دیوان از نوع قرار رد باشد و یا مستند به رأی وحدت رویه موضوع ماده (89) این قانون و یا ایجاد رویه موضوع ماده (90) قانون مذکور صادر شده باشد شعبه تجدیدنظر بدون انجام تبادل نسبت به رسیدگی و صدور رأی اقدام می نماید.

ماده 30- ماده (72) قانون به شرح زیر اصلاح و دو تبصره به آن الحاق می شود:

ماده 72- شعبه تجدیدنظر در صورتی که قرار مورد تجدیدنظرخواهی را مطابق موازین قانونی تشخیص دهد، آن را تأیید می کند. در غیر این صورت، چنانچه قرار صادره را منطبق با هیچ یک از موارد صدور قرار رد موضوع ماده (53) این قانون تشخیص ندهد پس از نقض قرار پرونده را برای رسیدگی ماهوی به شعبه صادرکننده قرار عودت می دهد.

تبصره 1- شعبه بدوی مکلف به تبعیت از رأی شعبه تجدیدنظر است لیکن در صورتی که امر جدیدی حادث شود که امکان رسیدگی ماهوی فراهم نباشد، شعبه مذکور می تواند قرار مقتضی صادر کند.

تبصره 2- در صورتی که شعبه تجدیدنظر موضوع را در صلاحیت دیوان تشخیص ندهد، با نقض قرار پرونده را به مرجع صالح ارسال می کند. ماده 31- مواد (74) و (75) قانون حذف می شود.

ماده 32- یک تبصره به عنوان تبصره (2) به ماده (79) الحاق می شود: تبصره 2- با تشخیص رئیس قوه قضائیه یا رئیس دیوان عدالت اداری مبنی بر خلاف بین شرع یا قانون بودن حکم، اجرای حکم تا صدور رأی مجدد به تعویق می افتد.

ماده 33- ماده (84) قانون به شرح زیر اصلاح می شود: ماده 84- به منظور رسیدگی به درخواست ابطال مصوبات و آیین نامه ها و سایر نظامات موضوع ماده (12) این قانون هیأت های تخصصی مرکب از حداقل پانزده نفر از قضات دیوان تشکیل می شود. رسمیت جلسات هیأت های تخصصی منوط به حضور دوسوم اعضاء است که به ترتیب زیر عمل می کنند:

الف- در صورتی که نظر حداقل سه چهارم اعضاء حاضر در جلسه هیأت به رد شکایت باشد رأی به رد شکایت صادر می شود. این رأی قطعی است. چنانچه رئیس دیوان یا ده نفر از قضات دیوان به صورت مستدل ادعای اشتباه یا مغایرت رأی مذکور را با قانون نمایند و یا آن را متعارض با آرای هیأت عمومی اعلام کنند رئیس دیوان موضوع را جهت رسیدگی در هیأت عمومی مطرح می کند. مهلت اعتراض ده نفر از قضات دیوان دو ماه از تاریخ درج در پایگاه الکترونیکی دیوان می باشد.

ب- در مواردی که نظر همه اعضای حاضر در جلسه هیأت و یا اکثریت آنان بر ابطال مصوبه باشد و همچنین در مواردی که کمتر از سه چهارم اعضای حاضر نظر بر رد شکایت داشته باشند، پرونده به همراه نظریه هیأت جهت اتخاذ تصمیم به هیأت عمومی ارسال می شود.

ماده 34- ماده (85) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 85- در مواردی که به تشخیص رئیس دیوان، رسیدگی به درخواست ابطال مصوبه موضوعاً متغی باشد، مانند موارد استرداد درخواست از سوی متقاضی یا وجود رأی قبلی دیوان در مورد مصوبه، یا در مواردی که موضوع مصوبه از مصادیق آیین نامه ها، نظامات و مقررات مذکور در ماده (12) این قانون نباشد یا به جهت عدم صلاحیت دیوان موضوع غیر قابل طرح باشد رئیس دیوان قرار رد درخواست را صادر می کند. این قرار قطعی است.

ماده 35- ماده (87) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 87- در صورتی که مصوبه ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیأت عمومی و هیأت های تخصصی، لازم الاتباع است.

ماده 36- در ماده (89) قانون بعد از عبارت «این رأی برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری»، عبارت «و همچنین برای هیأت عمومی و هیأت های تخصصی در مورد رسیدگی به ابطال مصوبات موضوع بند (1) ماده (12) این قانون در موارد مشابه لازم الاتباع است.» اضافه می گردد.

ماده 37- تبصره ماده (90) قانون حذف می شود.

ماده 38- ماده (92) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 92- چنانچه مصوبه ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی برای مقامات مسؤول دستگاههای موضوع ماده (12) این قانون پس از ابلاغ و انتشار الزامی است. هرگاه مقامات مذکور مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان، موضوع را خارج از نوبت بدون رعایت مفاد ماده (83) این قانون و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب کننده در هیأت عمومی مطرح می نماید. در صورتی که ابطال مصوبه جدید توسط هیأت عمومی به لحاظ عدم تبعیت از مفاد رأی سابق هیأت عمومی باشد، مقاماتی که در تصویب مصوبه مؤثر بوده اند، به عنوان متخلف از قانون تلقی و پس از اعلام رئیس دیوان حسب مورد در مراجع ذیصلاح به تخلفات آنان رسیدگی می شود.

ماده 39- ماده (93) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 93- آرای هیأت عمومی در ابطال و عدم ابطال مصوبات موضوع بند (1) ماده (12) این قانون و همچنین آرای هیأت های تخصصی در عدم ابطال مصوبات مزبور در رسیدگی و تصمیم گیری مراجع قضائی و اداری معتبر و ملاک عمل خواهد بود.

ماده 40- ماده (94) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 94- در صورتی که آرای هیأت عمومی و آرای هیأت های تخصصی دیوان از سوی رئیس قوه قضائیه خلاف موازین شرع تشخیص داده شود، هیأت عمومی با توجه به نظر رئیس قوه قضائیه تجدیدنظر می نماید.

ماده 41- ماده (95) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 95- در مواردی که آرای وحدت رویه و ایجاد رویه دیوان مستلزم عملیات اجرایی می باشند دستگاههای اجرایی مکلفند ظرف مدت پانزده روز

پس از انتشار رأی در روزنامه رسمی مفاد رأی هیأت عمومی را جهت اجراء به واحدهای تابعه ابلاغ و واحدهای مذکور مکلف به اجرای مفاد رأی هیأت عمومی و اعلام نتیجه به واحد اجرای احکام می‌باشند. در صورت عدم اجرای آرای مذکور با مستنکف طبق ماده (112) این قانون رفتار می‌شود.

ماده 42- متن زیر جایگزین ماده (97) قانون و تبصره آن می‌شود:

ماده 97- رأی صادره از هیأت عمومی پس از تنظیم، توسط رئیس دیوان و یا یکی از معاونان وی امضاء می‌شود.

تبصره 1- صدور حکم اصلاحی و رفع ابهام از آراء و تصمیمات هیأت عمومی دیوان برعهده هیأت عمومی و نسبت به آراء و تصمیمات هیأت‌های تخصصی برعهده همان هیأت‌ها می‌باشد.

تبصره 2- کلیه آرای هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی در پایگاه الکترونیکی دیوان ابلاغ و اعلام می‌گردد. آرائی که هیأت عمومی در مقام وحدت رویه یا ایجاد رویه و یا ابطال مصوبات صادر می‌کند، در روزنامه رسمی نیز منتشر می‌شود.

ماده 43- ماده (101) قانون حذف می‌شود.

ماده 44- ماده (108) قانون به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده 108- شعب دیوان پس از صدور رأی مکلفند آن را به طرفین ابلاغ نمایند محکوم‌علیه موظف است ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی به وی نسبت به اجرای کامل رأی یا جلب رضایت محکوم‌له اقدام و نتیجه را به طور کتبی به شعبه صادرکننده حکم قطعی اعلام نماید. در صورت عدم اجرای رأی یا عدم جلب رضایت محکوم‌له در مهلت مقرر با درخواست محکوم‌له پرونده به اجرای احکام ارسال می‌شود.

ماده 45- ماده (109) قانون و تبصره آن به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 109- هرگاه آرای هیأت عمومی به تشخیص رئیس دیوان یا معاون وی مستلزم عملیات اجرائی باشد پرونده جهت اجرای حکم به واحد اجرای احکام ارسال می گردد در صورت استنکاف مسؤلان مربوط از اجرای رأی، بنابر اعلام واحد اجرای احکام، برابر ماده (112) این قانون اقدام می شود.

تبصره - تقاضای ذی نفع برای اجرای آرای هیأت عمومی مستلزم تقدیم دادخواست و رسیدگی در شعب دیوان می باشد.

ماده 46- عبارت زیر به انتهای بند (2) ماده (111) اضافه می شود:

«دستور توقیف حساب بانکی محکوم علیه و برداشت از آن به میزان مبلغ محکوم به در صورت عدم اجرای حکم یک سال پس از ابلاغ یا اعلام مراتب از سوی اجرای احکام پس از انقضای مهلت یکساله به سازمان برنامه و بودجه که در این صورت سازمان مزبور مکلف است در اجرای بند «ج» ماده (24) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب 1393/12/4 ظرف مدت سه ماه محکوم به را به حساب محکوم له پرداخت نماید.»

ماده 47- ماده (112) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 112- در صورتی که محکوم علیه از اجرای آرای دیوان استنکاف نماید پرونده با ارجاع رئیس دیوان در شعبه تجدیدنظر رسیدگی و مستنکف به انفصال از خدمات دولتی تا پنج سال محکوم می شود. این رأی قطعی است. در صورتی که عضو مستنکف دارنده پایه قضائی باشد مراتب به دادسرای انتظامی قضات اعلام می شود.

ماده 48- ماده (113) قانون حذف می شود.

ماده 49- ماده (116) قانون به شرح زیر اصلاح می شود:

ماده 116- در مواردی که اجرای حکم قطعی از اختیار محکوم‌علیه خارج و یا موکول به تمهید مقدماتی از سوی مرجع دیگری غیر از محکوم‌علیه باشد و مرجع اخیر در جریان دادرسی وارد نشده باشد، ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ ابلاغ واحد اجرای احکام، مرجع یادشده می‌تواند به رأی صادرشده اعتراض کند و شعبه صادرکننده رأی قطعی باید به موضوع رسیدگی و تصمیم لازم را اتخاذ نماید. این رأی قطعی و لازم‌الاجراء است. مرجع مذکور در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر، مکلف به اجرای حکم بوده و در صورت استنکاف برابر ماده (112) این قانون اقدام می‌شود.

ماده 50- بار مالی ناشی از اجرای این قانون از محل افزایش درآمدهای قانون دیوان عدالت اداری تأمین می‌گردد.

ماده 51- عنوان «قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری» به «قانون دیوان عدالت اداری» اصلاح می‌گردد.

هیأت‌رئیس‌ه محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً، در اجرای آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و ماده (4)

قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب 1389/3/25 نظر

معاونت قوانین در مورد طرح اصلاح قانون تشکیلات و آیین‌دادرسی دیوان

عدالت اداری تقدیم می‌شود.

معاون قوانین

نظر اداره کل تدوین قوانین

معاون محترم قوانین

احتراماً در اجرای بندهای (2) و (4) ماده (4) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب 1389/3/25 نظر این اداره کل به شرح زیر تقدیم می‌شود:

۱- سابقه تقدیم:

ماده 130- C قبلاً تقدیم نشده است.

- C قبلاً در جلسه علنی شماره مورخ تقدیم و در تاریخ در C مجلس / C کمیسیون (موضوع اصل 85 قانون اساسی) رد شده و اینک:

C با تغییر اساسی
C با تقاضای کتبی 50 نفر از نمایندگان (مشروط به تصویب مجلس)

C پیش از انقضاء شش ماه
C بدون تغییر اساسی

C با انقضاء شش ماه
C با تقاضای کتبی کمتر از 50 نفر از نمایندگان

C مجدداً قابل پیشنهاد به مجلس
C می‌باشد.

C نمی‌باشد.

۲- در اجرای بند (۲) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور:

C رعایت شده است.

در طرح تقدیمی آیین نگارش قانونی و ویرایش ادبی C رعایت شده است. (با اعمال نظر کارشناسی)

C رعایت نشده است، دلایل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

۳- از نظر آیین نامه داخلی مجلس (شکلی):

الف - ماده 127-

اول - حداقل امضاء لازم (15 نفر) C دارد.
C ندارد.

دوم - موضوع و عنوان مشخص C دارد.
C ندارد.

سوم - دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد در مقدمه C دارد.
C ندارد.

چهارم - موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان C دارد.
C ندارد.

ب - ماده 138 - طرح تقدیمی دارای C یک موضوع است و پیشنهاد آن به عنوان C ماده واحده مواجه با ایراد C نمی‌باشد.
C بیش از یک موضوع C مواد متعدد C می‌باشد.

۴- در اجرای بند (۴) ماده (۴) قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵:

اول: از نظر قانون اساسی؛

طرح تقدیمی با قانون اساسی بطور کلی مغایرت ندارد.

۴ دارد، اصل / اصول مغایر و دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

دوم: از نظر سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز؛

طرح تقدیمی با سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز مغایرت ندارد.

۴ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

سوم: از نظر قانون برنامه؛

طرح تقدیمی با قانون برنامه مغایرت ندارد.

۴ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

چهارم: از نظر آیین‌نامه داخلی مجلس (ماهوی)؛

الف- طرح تقدیمی با قانون آیین‌نامه داخلی مجلس مغایرت ندارد.

۴ دارد، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

ب- ماده 140- رعایت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی شده است.

۴ نشده است، دلیل مغایرت به ضمیمه تقدیم می‌شود.

ج- ماده 181- موجب اصلاح یا تغییر برنامه مصوب نمی‌شود و نیاز به ۲ رأی نمایندگان ندارد.
۳ می‌شود ۴ دارد.

تعداد ... برگ اظهار نظر به ضمیمه تقدیم می‌شود.

مدیر کل تدوین قوانین

۵- طرح تقدیمی از حیث پیشگیری از وقوع جرم با بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی مغایرت ندارد.
۴ دارد.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه